



منظر قدسی شهرهای زیارتی به روایت سفرنامه‌های تاریخی*

I نسیم عسگری

II شهریار ناسخیان

III محمدسعید ایزدی

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۲۷ - ۲۴۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳
شناسه دیجیتال (DOI): 10.66224/PJAS.5.16.227

چکیده

منظر شکل‌یافته از مکان‌های متبرکه شهرهای زیارتی، جزو اصلی در شناسایی شاخصه‌های کالبدی و معنایی آن‌ها به‌شمار می‌رود. این مناظر ضمن گسترش کلیتی یکپارچه در ابعاد زمانی و مکانی، آئین‌ها و مراسم مذهبی وابسته به خود را در یک چهارچوب روایی متحد می‌سازند. بدیهی است جان متصل به این مناظر، روح انسان است؛ پس هرآن‌چه منجر به برهم‌زدگی و آشفتگی این ارتباط گردد، نه تنها اصالت این اماکن مقدس و یکپارچگی بافت‌های بلافصل آن‌را مخدوش می‌سازد؛ بلکه اثرات منفی غیرقابل‌انکاری بر امر زیارت برجای خواهد گذاشت. از آنجاکه این فضاها همواره مرکز توجه مجاوران، زائران و حتی سیاحان بوده است، اسناد مکتوب و مصور آن‌ها می‌تواند در بازنمایی وجوه عینی و ذهنی مناظر فوق‌الذکر مورد مذاقه قرار گیرد. درهمین ارتباط پژوهش حاضر با طرح این پرسش که در طول اعصار پیشین، ساختار کالبدی و معنایی مناظر یادشده چه وجوهی را دربر می‌گرفته است؟ درصدد یافتن ابعاد پیدا و پنهان این گستره با هدف بازنمایی ویژگی‌های اصلی منظر شهرهای زیارتی مذهب تشیع و نقش بقاع متبرکه آن‌ها بوده است. از این حیث با تکیه بر روش تفسیری-تاریخی و تحلیل مضمون، رویکردی استنتاجی را انتخاب نموده و به بررسی متون و تصاویر ۲۹ سفرنامه نگارش‌شده در فاصله زمانی قرن ششم تا چهاردهم هجری قمری، پرداخته است. یافته‌ها حکایت از آن دارد که اماکن مذکور به‌عنوان «نماد و شاخصه شهر زیارتی»، همواره «متمایز از محیط پیرامون» خود و در عین حال با «انسجام یکپارچه» در بستر طبیعی شهر، منظر را به‌شکل مجموعه‌ای واحد انتظام می‌داده که تمامی روابط، رویدادها، آداب و آئین‌های بومی مرتبط با خود را شامل می‌شده است. نتیجه حاصل گویای آن است که منظر مقدس این اماکن شبکه‌ای معنوی و زنجیره‌ای از ارزش‌ها و عناصر ملموس و ناملموس بوده، که توجه بیش از پیش به حفاظت از حریم بصری آن‌ها و بازنگری در طرح‌ها و اقدامات جاری را ایجاب می‌نماید.

کلیدواژگان: مکان مقدس، منظر آئینی، منظر زیارتی، منظر قدسی، حریم بصری.

I. دانشجوی دکتری مرمت بناها و بافت‌های تاریخی، گروه مرمت بنا، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

II. استادیار گروه مرمت بنا، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
s.nasekhian@au.ac.ir

III. استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

*. این مقاله مستخرج از رساله دکتری «نسیم عسگری» تحت عنوان: «تدوین چهارچوب حفاظت از حریم مکان‌های مقدس کلان مقیاس شیعه با محوریت زیارت»، به راهنمایی «شهریار ناسخیان» و «محمدسعید ایزدی» در دانشگاه هنر اصفهان است.

مقدمه

از آنجاکه مؤلفه مذهب یکی از شاخصه‌های اصلی در تشخیص و تمییز دادن گونه‌های مختلف بافت‌های فرهنگی با ماهیت قدسی است، می‌توان اذعان داشت چشم‌اندازهای مذهبی خود تبلوری از باورها و اندیشه‌های آئینی بوده و منظر قدسی شهر زیارتی نیز جزو تفکیک‌ناپذیر آن محسوب شود. چشم‌اندازهای مذهبی با توجه به بینش‌های اعتقادی در مذاهب گوناگون از تنوع خاصی برخوردار بوده و معرف زوایای فرهنگی آن جوامع است. در این بین حضور مکان‌های مقدس تاریخی و وضوح بصری آن‌ها از دور و نزدیک نشان از وجود لایه‌های پنهان از شکل‌گیری نظام ساختاری این مناظر دارد. نگرش‌های مذهبی به مکان‌های خاص منجر به شکل‌گیری مکان‌ها و مناظر مقدس می‌شود (دیباچ، ۱۳۹۵: ۵۶؛ Singh, 2009: 243)، که به دنبال آن تصویری متمایز و ممتاز در تفکر و رفتار انسان‌های وابسته به آن‌ها شکل می‌گیرد. درحقیقت چنین مناظری توسط یک جامعه در تصویر خودش ایجاد می‌شود (Singh, 1988: 2)؛ به عبارت دیگر، همان اندازه که درک و احساس به همراه تجربه امر قدسی در نسبت با مبدأ فیض در فضای وجودی انسان‌ها و مکان‌ها و بالطبع حریم‌ها و مناظر وابسته به آن‌ها در فرهنگ محیطی به ظهور می‌رسد، به شکل غیرقابل انکاری با خلق حرمتی دوسویه تأثیری حتمی بر استمرار و بقای مکان قدسی و پیوند آن‌ها با سنت و میراث باورهای انسانی خواهد داشت (ملاصالحی، ۱۳۷۲: ۴۷). از همین رو، امر قابل رؤیت بودن مناظر یادشده که جزئی از ماهیت حتمی آن‌ها تلقی می‌گردد، به دریافت جنبه‌ها، ادراکات ذهنی و برداشت‌های انسان از آن‌ها منجر می‌شود؛ چراکه همواره «با جنبه‌های عینی و فرآیندهای پویای شکل‌گیری یا شکل‌دهی به مکان در ارتباط است» (امین‌زاده، ۱۳۹۵: ۹). درحقیقت چنین مناظری زمینه‌های گسترده‌ای از تفسیر را ارائه می‌دهند، که بر اهمیت سنت، فرهنگ و معانی اجتماعی مرتبط با خود تأکید دارند (Liutikas, 2015: 13).

زیارتگاه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام)، عبادتگاه‌های مقدس و ساختارهای مذهبی از این سنخ نیز، نه تنها چشم‌اندازهای مسلطی را در منظر شهری به ظهور می‌رسانند که حتی به مثابه یک شاخص شناخته شده در تعیین تغییرات فرهنگی بافت‌های تاریخی-جغرافیایی مرتبط با خود نیز سهیم هستند. حال آن‌که متأسفانه امروزه با وجود اهمیت این مطلب و اذعان به منحصربه‌فرد بودن مکان‌های مقدس زیارتی به جهت برخورداری از ارزش‌های بالایی معنوی و دارا بودن ریشه‌های عمیق هویت دینی در فرهنگ و مذهب شیعه، حریم بصری این گروه از ثروت‌های فرهنگی دچار نابسامانی و آشفتگی‌های متعددی گردیده است.

ناگفته پیداست که حفاظت از حریم بصری و مناظر شکل‌یافته از حضور مکان‌های مقدس و نشانه‌های آن‌ها، علاوه بر آن‌که نقش عمده‌ای در صیانت از اصالت و هویت شهرهای زیارتی-تاریخی دارد، تأثیر شگرفی نیز بر سازماندهی تصویر ذهنی مخاطبان خود در جهت شناسایی آن‌ها خواهد گذاشت.

پرسش پژوهش: با توجه به ضرورتی که به اختصار آمد، پژوهش حاضر با طرح این پرسش که وجوه مناظر یادشده در بازه زمانی قرن ششم تا اوایل قرن چهاردهم هجری قمری، دربرگیرنده چه ابعادی بوده است؟ هدف خود را بازنمایی شاخصه‌های اصلی و اثرگذار در ساختار مناظر قدسی شهرهای زیارتی شیعه قرار داده است تا از طریق آن بتوان به بازاندیشی و تدوین اصول کارآمد در طرح‌های آتی دست یافت.

پیشینه پژوهش

تحقیق‌های پیش از این که با استناد به توصیفات سفرنامه‌ای به انجام رسیده است یا معطوف به بازگویی و تحلیل مختصری از اماکن یادشده در این پژوهش بوده و یا تنها بر شهرهای وابسته

به آن‌ها (البته از نظرگاه برخی از سیاحان اشاره شده در جدول ۲) متمرکز شده است؛ بنابر جدول ۱، می‌توان گفت محوریت اصلی هیچ‌کدام از پژوهش‌های یادشده متوجه منظر مقدس شهرهای معروف زیارتی مذهب تشیع نبوده و این نوشتار از دریچه جدیدی به واکاوی روایت‌های سفرنامه‌ها پرداخته است.

جدول ۱. محوریت موضوعی و یافته‌های اصلی در پژوهش‌های پیشین (نگارندگان، ۱۳۹۸).

عنوان پژوهش	محور اصلی و یافته‌های پژوهش
شهر قم در سفرنامه‌ها و متون تاریخی (سروقدی، ۱۳۷۴)	ضمن رعایت تقدم و تأخر نوشتارها تنها به شرح مشاهدات برخی از جغرافیا-تاریخ‌نویسان چون اصطخری، ابن‌حوقل،... و گروهی از جهان‌گردان دوره صفوی و قاجار که از شهر قم و آستانه مقدسه حضرت معصومه (ع) دیدن کرده‌اند و نیز معرفی آثار آن‌ها اکتفا نموده است.
حضرت عبدالعظیم (ع) و شهری در سفرنامه‌ها (صادقی، ۱۳۸۲)	به معرفی اجمالی و مختصر ۲۳ سفرنامه نگارش شده از اوایل قرن ۹ ه.ق.، تا دوره مظفری در ارتباط با شهری پرداخته و تنها چند عبارت کوتاه در آن به منظر حرم عبدالعظیم (ع) اختصاص یافته است.
حرم حضرت معصومه (س) از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی (امیری، ۱۳۸۴)	تنها در جست‌وجوی ارائه‌ای کلی از نحوه مواجهه و برخورد سفرنامه‌نویسان با فضای معنوی حاکم بر شهر قم در دوره قاجار بوده و به ذکر چند گفتار کوتاه در ارتباط با دورنمای کلی شهر بسنده کرده است.
قم از نگاه ناصرالدین‌شاه و سیاحان فرنگی معاصر او (قاضیها، ۱۳۸۷)	به شرح ششمین سفر ناصرالدین به قم، حواشی آن و گزارش پنج نفر از مستشرقان اروپایی در همان بازه زمانی پرداخته شده است. به جزء توصیف عبارات کوتاهی در شرح چشم‌انداز بارگاه حضرت معصومه (ع)، محوریت اصلی بر مباحث اجتماعی، فرهنگ مردم و ساختار بافت شهری قم است.
سهم سفرنامه‌های اروپایی در معرفی تشیع ایرانیان در غرب (حسین‌زاده شانه‌چی، ۱۳۸۹)	با تمرکز بر امر معنوی زیارت، آداب و سنن مذهبی در شهرهای مشهد، نجف و قم به بیان مختصری از تعداد محدودی سفرنامه دوره صفوی و قاجار و ارزش‌گذاری مطالب آن‌ها پرداخته است. تأثیرگذاری و نقش ویژه نوشتارهای دوره صفوی در انتقال مفاهیم مذهبی، رهاورد اصلی آن بوده که به بیان نویسنده تحت‌تأثیر انگیزه‌های سفرهای مذکور قرار داشته است.
جهان‌گردان اروپایی و اماکن مقدس اسلامی در ایران (طهماسبی، ۱۳۹۰)	ضمن پرداختن به اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، به واکاوی واکنش ایرانی‌ها در مقابل جهان‌گردان اروپایی از دوره تیموری تا پهلوی پرداخته که البته بیشترین تمرکز آن بر دوره قاجار و اهمیت حرمت‌گذاری رفتاری و چگونگی برخورد با ورود نامسلمانان به اماکن مقدسه بوده است.
سفر زیارتی حج در دوره قاجار بر مبنای سفرنامه‌های رجال دوره قاجاری (علی‌صوفی و زاور، ۱۳۹۱)	به شرح چگونگی مراسم حج ایرانیان و عوامل تأثیرگذار بر آن نظیر روابط سیاسی، مسیرهای حج، نوع زندگی حجاج و ساکنان شهرهای مکه و مدینه در دوره قاجار، پرداخته است. در آن مطلبی مرتبط با دورنمای شهر و منظر مکان مقدس بازگو نگردیده است.
نگرشی بر اماکن مقدسه و متبرکه و آداب زیارت از نگاه سیاحان اروپایی دوره قاجار (فاطمی، ۱۳۹۳)	باتأکید بر تأثیرگذاری سفرنامه‌ها در شناساندن آداب دینی، به تشریح مختصر معماری آرامگاه‌ها و تزئینات وابسته به آن در شهرهای نجف، قم، شیراز، مشهد و ری پرداخته است.
بررسی حیات مذهبی شیراز عصر قاجار به روایت سفرنامه‌های اروپایی (فصیحی و طیبی، ۱۳۹۴)	با وجود طرح عنوان آن به ذکر این مطلب بسنده شده است که نوشتارهای ثبت شده توسط سیاحان، متنوع و دارای برخی شباهت‌ها و تفاوت‌ها است و عملاً فاقد شرح جامعی در ارتباط با حیات مذهبی شهر شیراز از قول چهار سفرنامه‌نویس مطرح در آن بوده و تمرکزی بر بقعه حضرت شاه‌چراغ (ع) نداشته است.
سلسله‌مراتب تشرف به اماکن مقدس در شهرهای تاریخی-مذهبی ایران (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۶)	با استناد بر سفرنامه‌های صفوی تا پایان قاجار ضمن ذکر جزئیات فضاهای متوالی و تأثیرات آن بر ادراک مخاطبان و زائران شهر قم، تصویر مشخصی را از سلسله‌مراتب تشرف به حرم حضرت معصومه (ع) ارائه داده است که فاصله‌ای حدود ۲۵ کیلومتری شهر بوده و با رؤیت گنبد بارگاه آغاز و به درون فضای گنبدخانه منتهی می‌گشته است.

روش پژوهش: از آنجاکه تحقیق حاضر دارای پارادایم کیفی-تأویلی مبتنی بر استقرای تحلیلی و نیازمند واکاوی داده‌های متنی و ترسیمی ثبت شده بوده؛ لذا روش اتخاذ شده از نوع «تفسیری-تاریخی» و «تحلیل مضمون» است. با به‌کارگیری این روش که در اینجا به دنبال شناخت و نظام‌سازی گزارش‌های سفرنامه‌نویسان است، فرآیندی برای تحلیل اظهارات سیاحان به منظور درک مناسب از اطلاعات و گفتارهای به‌ظاهر نامرتبط آن‌ها اتخاذ می‌گردد؛ بدین ترتیب در آغاز با استخراج گزاره‌های پرتکرار و یا متمایز که در امتداد رسیدن به پاسخ پرسش این پژوهش است، داده‌های اولیه ثبت و سپس با کاوش و شناخت مضامین اصلی، به تحلیل، ادغام و یکپارچه‌سازی آن‌ها پرداخته شده است. در نهایت با نظام‌مندسازی مضامین به‌واسطه الگوسازی معنایی و دسته‌بندی موضوعی، درون‌مایه و محتوای پیام‌ها با توجه به هدف پژوهش مشخص گردید. در این راستا، مسیر گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای شامل مشاهدات و خوانش سفرنامه‌ها، مراجعه به روایات و تصاویر مندرج در اسناد اخذ شده، بوده است.

بر این اساس در پژوهش حاضر ابتدا ۴۸ سفرنامه که دارای توصیفات مبسوط درخصوص شهرهای زیارتی بوده، از میان ۹۷ سفرنامه مطرح در طی قرن ششم تا چهاردهم هجری قمری، انتخاب گردیده است. در گام بعد با توجه به دسته‌بندی مضامین با رویکرد مسأله حرمت‌گذاری مکان‌های مقدس (عسگری و همکاران: ۱۳۹۸)، ۲۹ سفرنامه که به شرح منظر شهر زیارتی و مکان مرتبط با آن پرداخته، از میان سفرنامه‌های برگزیده در مرحله نخست، تعیین و در جهت استناد و تفسیر مورد بررسی و بازبینی قرار گرفته است. در ادامه اسناد به‌کاررفته در این تحقیق به ترتیب دوره زمانی به عنوان جامعه آماری ارائه می‌گردد (جدول ۲).

مبانی نظری

یک منظر می‌تواند دربردارنده تاریخ فرهنگی یک مکان، با قابلیت خوانایی و حاوی پیام باشد و آنجاکه اثر بینش‌های اعتقادی و باورهای مذهبی در آن مشهود شود، به عنوان «چشم‌انداز مذهبی» تلقی گردد؛ بنابراین، مذهب خود مشابه یک عنصر فرهنگی در ایجاد تفاوت‌ها، تغییرات و تبانیات مکانی و سازمان‌دهی فضای شهری ایفای نقش می‌نماید (تولایی، ۱۳۸۲). فضاهای مذهبی با تلفیق مکان‌های مختلف دینی یک بافت معنایی به نام «منظر مذهبی شهر» را شکل می‌دهد که مجموعه‌ای از پدیدارهایی است که معنا و باور ویژه‌ای را به‌وسیله عناصر فضایی، بصری و حتی صوتی بازتولید می‌کند. منظر مذهبی شهر، «فرهنگ دینی زمانه و سمت‌وسوی حرکت و گرایش مذهبی و ارزشی جامعه را نمایان می‌کند» (Azarinia, 2017: 7). به بیان دیگر، منظر مذهبی در درجه اول، شامل تمامی فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در حوزه دینی مرتبط با خود می‌شود و در درجه بعدی به عنوان محدوده‌ای از قلمرو مدنی و ساختاری شهر تلقی می‌گردد. درحقیقت اعتقادات وابسته به فضاهای شکل‌یافته از دو حوزه پیشین، مقیاس و چگونگی آن‌را با توجه به نظام جهان‌بینی حاکم بر آن، به یک مکان خاص، یک منطقه و یا تمامیت یک شهر مرتبط ساخته و در مفاهیم و عناوینی چون: «منظر آئینی»^۲، «منظر زیارتی»^۳ و «منظر قدسی»^۴ تجلی می‌یابد.

الف- منظر آئینی: از ویژگی‌های منحصربه‌فرد یک فعالیت مذهبی در ارتباط با منظر، ملحق شدن آن به منظر آئینی است که حاصل حفظ قداست مکانی و ارتباط متقابل و متعامل بین باور انسان در گذرگاه‌های متوالی «زمان-فضا-آئین» و از طریق برگزاری گونه‌های مختلف مناسک و آداب و رسوم مذهبی است (Kumar & Singh, 2017: 171). به عبارت دیگر «آئین‌های شهری بر حضور در فضاهای شهری تأکید می‌کنند و به مرور زمان هویت و ماهیتی مشخص به فضای برگزاری مراسم و منظر آن می‌دهند، به‌گونه‌ای که مکان و خصوصیت آن، جزو جدایی‌ناپذیر تاریخ، تداوم و

جدول ۲. سفرنامه‌های مورد بحث در این پژوهش به ترتیب دوره زمانی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

نویسنده	ملیت	دوره تاریخی و بازه زمانی سفر
محمد بن احمد بن جبیر (۶۱۴-۵۴۰ ه.ق.)	اندلسی (اسپانیایی)	حضور در مکه به جهت ادای مناسک حج، ۵۷۹ ه.ق.
ابن بطوطه (۷۷۹-۷۰۳ ه.ق.)	مراکشی	حضور در مکه به جهت ادای مناسک حج، ۷۲۵ ه.ق.
دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا (۱۶۲۴-۱۵۵۰ م.)	اسپانیایی	صفوی (شاه عباس اول)، ۱۶۱۸ م.
آدام اولناریوس (۱۶۰۳-۱۶۷۱ م.)	آلمانی	صفوی (شاه صفی)، ۱۶۳۷-۱۶۳۶ م.
ژان شاردن (۱۶۴۳-۱۷۱۳ م.)	فرانسوی	صفوی (شاه عباس دوم و سلیمان اول) سه سفر به ایران در سال‌های ۱۶۷۷-۱۶۶۵ م.
لوئی امیل دوهوسه	فرانسوی	قاجار (فتحعلی شاه)، ۱۲۳۸-۱۲۳۶ ه.ق.
الکس بارتز (۱۸۰۵-۱۸۴۱ م.)	انگلیسی	قاجار (فتحعلی شاه و محمدشاه)، ۱۸۳۱ م. به بعد
بارون فئودور کورف	روسی	قاجار (اواخر دوره فتحعلی شاه و آغاز دوره محمدشاه) ۱۲۱۳ ه.ش.، ۱۸۳۴-۱۸۳۵ م.)
اوژن فلاندن (۱۸۸۹-۱۸۰۹ م.)	فرانسوی	قاجار (محمدشاه)، ۱۲۲۰ ه.ش.، (۱۸۴۱-۱۸۳۹ م.)
ژوزف آرتور دوگوبینو (۱۸۸۲-۱۸۱۶ م.)	فرانسوی	قاجار (ناصرالدین شاه)، ۱۸۵۸-۱۸۵۵ م.
هینریش کارل بروگش ۱۸۹۴-۱۸۲۷ م.	آلمانی	قاجار (ناصرالدین شاه) اولین سفر: ۱۸۶۰-۱۸۵۹ م. دومین سفر: ۱۲۷۸ ه.ق. (۱۸۶۱ م.)
کلنل سی.ام. مک گرگور (۱۸۴۰-۱۸۸۷ م.)	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاه)، ۱۸۷۰ م.
کارلا سرنا (۱۸۸۴-۱۸۲۰ م.)	ایتالیایی	قاجار (ناصرالدین شاه)، ۱۲۹۵-۱۲۹۴ ه.ق. (۱۸۷۷ م.)
یوشیدا ماسهارو (۱۹۲۱-۱۸۵۲ م.)	ژاپنی	قاجار (ناصرالدین شاه)، ۱۲۹۸-۱۲۹۷ ه.ق.
میرزا علی خان صفاء السلطنه نائینی ۱۳۴۶-۱۳۱۸ ه.ق.	ایرانی	قاجار (ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه) ۱۲۹۹-۱۳۰۰ ه.ق.
ژان دیولافوا (۱۹۱۶-۱۸۵۱ م.)	فرانسوی	قاجار (ناصرالدین شاه)، در سال‌های ۱۸۸۱ م. و ۱۸۸۶-۱۸۸۴ م.
سمیونل گرین ویلر بنجامین (۱۹۱۴-۱۸۳۷ م.)	آمریکایی	قاجار (ناصرالدین شاه)، ۱۸۸۵-۱۸۸۲ م.
ادوارد گرانویل براون (۱۹۲۶-۱۸۶۲ م.)	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاه)، ۱۸۸۷ م. ورود به ایران
محمد علی پیرزاده نائینی (۱۳۲۱-۱۲۵۱ ه.ق.)	ایرانی	قاجار (ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه)، ۱۳۰۶-۱۳۰۴ ه.ق.
جورج ناتانیل کرزن (۱۹۲۵-۱۸۵۹ م.)	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاه)، ۱۳۰۷ ه.ق. (۱۸۸۹ م.)
جان ویشارد (۱۸۶۳-۱۹۴۰ م.)	آمریکایی	قاجار (ناصرالدین شاه تا احمدشاه)، ۱۹۱۰-۱۸۹۱ م.
چارلز ادوارد بیت (۱۸۴۹-۱۹۴۰ م.)	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاه)، ۱۳۱۳-۱۳۱۰ ه.ق. (۱۸۹۶-۱۸۹۳ م.)
پیر لوتی (۱۹۲۳-۱۸۵۰ م.)	فرانسوی	قاجار (مظفرالدین شاه)، ۱۹۰۱ م.
سرپرستی مولزورث سایکس ۱۸۶۷-۱۹۴۵ م.	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاه تا احمدشاه)، ۱۹۱۳-۱۸۹۴ م. بازدید از خراسان ۱۹۱۳-۱۹۰۵ م.
اوژن اوین ۱۸۶۳-۱۹۳۱ م.	فرانسوی	قاجار (اواخر دوره مظفرالدین شاه) ۱۳۲۴-۱۳۲۵ ه.ق. (۱۹۰۷-۱۹۰۶ م.)
هانری رنه دالماتی (۱۹۵۰-۱۸۶۳ م.)	فرانسوی	قاجار (مظفرالدین شاه و آغاز دوره محمدعلی شاه)، ۱۹۰۷ م.
کلود آنه (ژان شوپفر) ۱۸۶۸-۱۹۳۱ م.	سوئسی	قاجار (دوره مظفری و آغاز دوره محمدعلی شاه) ۱۳۲۵ ه.ق. (۱۹۰۷ م.)، ۱۳۲۷ ه.ق. (۱۹۰۹ م.)، ۱۳۲۸ ه.ق. (۱۹۱۰ م.)
فردریک چارلز ریچاردز (۱۹۳۲-۱۸۷۸ م.)	انگلیسی	پهلوی (سال‌های آغازین)
هرمان نوردن (۱۸۸۰-؟ م.)	آمریکایی	پهلوی (سال‌های آغازین)

کیفیت برگزاری آن می‌شود» (امین‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۳۶). بسیاری از مناظر آئینی، خود به‌عنوان مناظر نمادینی هستند که در چهارچوب نظام‌های معنایی و ارزشی قابل تفسیر بوده و در چارچوب همان نظام‌ها و بر پایه قواعد و روابط موجود اجزای آن، با یکدیگر ترکیب شده و پیامی ویژه را به ناظر منتقل می‌کنند (همان: ۱۳۹).

ب- منظر زیارتی: مناظر زیارتی علاوه بر آن که به‌واسطه حضور و برپایی مراسم آئینی دارای ارزش و هویت مکانی خاص‌تری می‌گردند، عملاً به‌مثابه مفصل مشهودی از گفتمان‌های چندگانه، با فرهنگ منتج شده از مضامین مذهبی در ساختار بومی شهر تلفیق می‌شوند. این منظر با تأکید مضاعف بر روابط متقابل بین زائران و مکان زیارتی، گویای نقش پُررنگ انسان در پیدایش، تصاحب، سازماندهی و بازنمایی گستره تاریخی خود است. به تعبیری گویاتر، این گروه از چشم‌اندازها به یکباره ظهور نمی‌کنند؛ بلکه در فرآیندی پی‌درپی و متوالی مشخص می‌گردند (Alderman, 2002: 28).

ج- منظر قدسی: منظر مقدس را می‌توان در مقیاسی فراگیر، بخش بی‌واسطه‌ای از مناظر فرهنگی در نظر آورد؛ چنان‌که فعالیت‌های فرهنگی در دو بُعد ملموس و ناملموس جاری در ساحت قلمرو دینی، گونه‌های مختلفی از میراث مذهبی و جنبه‌های آن را شامل گردد (Kumar & Singh, 2017: 4). صرف گفتن این مطلب که یک مکان خاص، مکانی مقدس است، برای توصیف قطعه‌ای از بافت شهری و یا فقط برای قرار دادن آن در یک موقعیت خاص در منظر نیست؛ بلکه برای بیان و توصیف تمام ویژگی‌های ناملموس و اعتقادات مرتبط با آن نیز است (Goral, 2011: 50). بر همین اساس مناظر مقدس را می‌توان یکی از زیرمجموعه‌های دارای‌های مذهبی به‌شمار آورد (ICOMOS, 2004: 55)، که در مواردی می‌تواند مناظر آئینی-زیارتی را نیز شامل گردد (تصویر ۱).



تصویر ۱. نمونه‌ای از تلفیق سه منظر آئینی-زیارتی-قدسی، بین‌الحرمین کربلا (imamhussain.org).

بنابراین منظر مقدس، به عنوان چشم‌اندازی هویت‌ساز و منحصربه‌فرد، حائز ارزش‌های معنایی و بصری یک شهر، یک فرهنگ و یا اجتماع است که تشخیص و تمایزاتی را ایجاد (امین‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۳۱) و هویت و حافظه مکان مقدس را برجسته می‌سازد (Hodor & Fekete, 2019: 21).

منظر مقدس شهر زیارتی

منظر مقدس شهر زیارتی را نمی‌توان بدون توجه به چگونگی و نقش باشکوهی که اماکن قدسی در چشم‌انداز آن ایفا می‌کنند، به درستی ادراک نمود؛ به عبارت دیگر، این منظر نه فقط دربرگیرنده یک محدوده و فضای جغرافیایی است، بلکه به عنوان یک زایش‌گر فرهنگی، نقش بسزایی در ثبت مکان‌های شاخص با ارزش‌های مذهبی و اجتماعی دارد. بر این اساس، با وجود آن‌که در سیر حرکت از خارج شهر به طرف مکان مقدس، فضا به تدریج از درجه تقدس برخوردار می‌شود (کمیلی، ۱۳۹۸: ۲۰)، اما نشانه‌های تفکیک مکانی میان بقعه متبرکه و فضای پیرامون و خارج از آن، عملاً در زمره عناصر منظر قدسی شهر محسوب می‌شود؛ برای مثال، «هوشیندلر»^۵ در سفرنامه خراسان ضمن اشاره به مکانی در محدوده شهر مشهد با نام «تپه‌سلام»، اذعان می‌دارد که «از این تپه، شهر مشهد با گنبد مقدس امام نمایان» (صفاءالسلطنه نائینی، ۱۳۶۶: ۱۰۶) است. ظهور عینی مکان مقدس در منظر، بسته به نوع مخاطب و ناظری که با آن مواجه می‌گردد، می‌تواند به آدابی که گاه ریشه در رسوم و عقاید بومی دارد منتهی شود، برای نمونه در ارتباط با شهر قم چنین بیان گردیده که «این قصبه سر راه کاروان‌هایی که از تهران به اصفهان می‌روند، واقع است و هیچ مسلمانی از آنجا نمی‌گذرد، مگر آن‌که مراتب احترام و وفاداری خود را نسبت به این مرقد نشان دهد. مردم عقیده دارند که فراموش کردن این وظیفه مقدس، مسافر را با حادثه شومی مواجه می‌گرداند» (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۰۴).

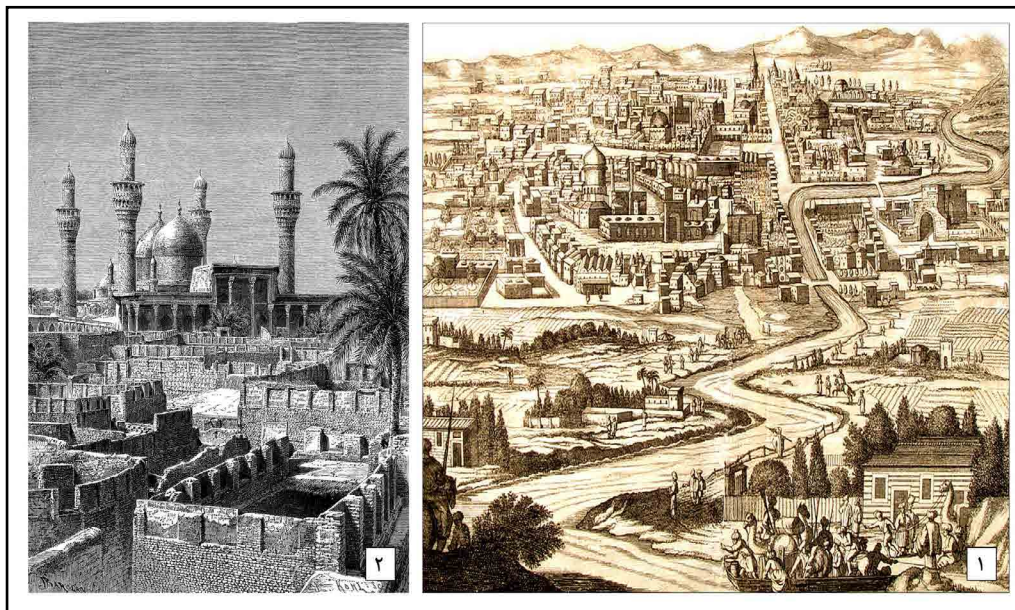
بنابراین اهمیت چشم‌انداز بقعه مقدس وابستگی شدیدی به مکان مشاهده‌شونده، ویژگی‌های کالبدی آن و تمامی عناصر پیش‌زمینه و پس‌زمینه‌ای دارد که دورنمای آن منظر را دربر گرفته است (Gopalakrishnan & Tadepalli, 2014: 193). علاوه بر آن، از آنجا که بخش عمده تقدس جاری در یک منظر، فراکالبدی است؛ لذا باید بدون وابستگی به ادراک‌هایی که تحت تأثیر حواس مادی شکل می‌یابند نیز قابل دریافت و شهود باشد (Niglio, 2018: 1)، در ادامه، این مسأله به واسطه مرور یافته‌های تحقیق، مورد تدقیق قرار می‌گیرد.

بحث و تحلیل

اگرچه مشاهده‌گران و ناظران تعبیر قابل‌توجهی را به مناظر مقدس تنها در حوزه فرهنگ متناظر با خود نسبت می‌دهند، اما گاه اهمیت فرهنگی این چشم‌اندازها چنان است که افراد ناآشنا با ارزش‌های مرتبط با آن نیز -مانند گروهی از سفرنامه‌نویسان مورد اشاره در این نوشتار- قادر به فهم آن خواهند بود؛ چراکه این اماکن ابتدا پدیدآورنده جاذبه تأثیرگذاری در زائران خود و در مرتبه بعدی در ناظرانی است که هیچ‌گونه وابستگی مذهبی به آن ندارند. به تعبیر دیگر، نحوه مشاهده، تجسم و حتی اندیشیدن در چگونگی نحوه پیدایش این مناظر بنابر جهان‌بینی اشخاص متفاوت است (Singh, 2009: 242).

با در نظر آوردن مطلب فوق و تکیه بر گفتارهای ثبت‌شده سیاحان (جداول ۳ و ۴)، چنین استنباط می‌شود که منظر قدسی از ارکان اصلی نقشه ساختار ذهنی سفرنامه‌نویسان بوده، به نحوی که از مرکز تاریخی شهر که دربرگیرنده حرم و نواحی اطراف آن بوده آغاز شده و تا حومه شهر امتداد یافته است. اولین توصیفات آنان پیش از رسیدن به آستانه شهر، شرح و بسط چشم‌اندازی بوده که نمایان‌گر هویت مذهبی و زیارتی آن شهر است و می‌توان آن‌ها را به دو گروه عمده تقسیم نمود:

۱- بازگوکننده ساختارهای مشهود و ملموس بقاع متبرکه و محیط بلافصل آن‌ها،
 ۲- بیان‌کننده جنبه‌های ناملموس و زوایای پنهان مناظر وابسته به آن‌ها.
 برای مثال، زمانی که از حضور این ابنیه به عنوان نماد و شاخصه شهر سخن به میان آمده، گروهی چنان به تفاسیر شاعرانه پرداخته که وصف ارزش‌های کالبدی و احساسات انسانی در بیان توصیف آن مکان با یکدیگر ممزوج گردیده است. مصداق بارز این مدعا را می‌توان در توضیح فرآیند بازدید از قم به قلم «پیر لوتی»^۱ مشاهده نمود: «هنگام ظهر، در نقطه‌ای بس دور جسم درخشنده‌ای را در بالای افق مشاهده می‌کنیم: شی‌ای که تنها به وسیله انعکاس نورش هم‌چون ستارگان نمایان است. گویا سیاره‌ای است که طلوع می‌کند، یا کره‌ای زرین یا آتش است، به طور خلاصه چیزی غیرعادی است که هرگز نظیر آن را ندیده‌ایم. هدایت‌کننده اسب‌ها با انگشت خود آن نقطه را نشان می‌دهد و می‌گوید: «قم» بنابراین آن شی نورانی حتماً گنبد طلای مشهور است که در برابر آفتاب نیمروز می‌درخشد و مانند فانوسی روشن است که آن را در وسط روز فروخته باشند تا کاروان‌هایی را که در بیابان راه می‌پویند، راهنمایی کند» (۱۳۷۲: ۲۵۳).
 او در جایی دیگر با روایتی مشابه آن چه در بالا آمد، به نقش گذرگاه‌های بصری و منظر درون و برون شهری وابسته به بقعه مقدس پرداخته است: «روشنایی عصر از طریق در خروجی بازار در برابر ما پدیدار می‌گردد. گنبد درخشنده از این جا پیدا و بسیار نزدیک است و در محیطی مزین و آراسته که گوئی ساحری برای خیره کردن چشم ما ترتیب داده، مانند تاجی بر سر است. در ساحل رودخانه‌ای خشک [...] منظره سحرآمیزی نمایان است. در این پرده دورنما، درهای بزرگ، مناره‌ها، گنبد‌های طلایی و کاشیکاری شده طبقه به طبقه در کنار و بر روی یکدیگر قرار دارند [...] در پشت همه این مناظر، قلل بزرگ کوه‌ها که ارتفاعشان دو برابر کوه آلپ است، [...] چشمان من چیزهای شگفت‌آور و زیبا بسیار دیده، ولی من هیچ‌یک از آن‌ها را با شکوه‌تر یا شرقی‌تر و بهت‌آورتر از این مقبره که [...] به هنگام بیرون آمدن از بازار تاریک قم با جلوه‌گری دربرابر من ظاهر می‌شود، نیافته‌ام» (همان: ۲۵۵-۲۵۶).



تصویر ۲. منظر قدسی به عنوان یک مجموعه منحصر به فرد: ۱- شهر قم و دورنمای حرم حضرت معصومه (ع)، (Olearius, 1727: 680)، ۲- دید به بارگاه از سمت خانه‌های مسکونی، (Diculafoy, 1887: 589).

در کنار مطلب یادشده، برخی از نوشتارها مبین اهمیت حضور مکان مقدس به عنوان نشانه کانونی و عنصر ارزشمند شهر زیارتی بوده که تمامی دیدهای بصری منتهی به آن می‌گشته است، مانند: «هیچ‌جایی از شهر به‌اندازه بقعه کاظمین شلوغ و از تقدس خاص برخوردار نیست. [...] ناگفته نباید گذاشت که موقعیت خاص مرقد که در چهارراه تمامی جاده‌های منتهی به سایر اعتبار مقدس قرار گرفته است نیز در جلب بیشتر زائران بی‌تأثیر نیست» (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۷۱).

و یا: حوالی قم «از پل کوتاهی گذشتیم و به دره تازه‌ای آمديم و به‌زودی آثاری توأم با رنگ سبز و خالی نمایان بود و علامت این بود که به شهر بزرگی نزدیک شده‌ایم [...] قدری که جلوتر می‌رویم بناهای مقدس، بزرگ‌تر می‌نماید. در پیچ هر کوچه دورنمای گنبد حرم به نظر می‌رسد» (کرزن، ۱۳۷۳: ۷-۶).

آن‌چه از این قبیل یادداشت‌ها در حکم پیام منظر دریافت می‌شود، گویای در نظر آوردن منظر قدسی از دید ناظر به عنوان مکانی ویژه و یا یک قطعه منحصر به فرد در گستره‌ای وسیع است که در آن «روح مکان» نقش مهمی در ایجاد تمایز بین قلمرو انسانی و قلمرو الهی ایفاء می‌کند. به تعبیر دیگر، منظر مقدس قطعه‌ای است متشکل از الگوها، روابط، تعاملات و معانی خاص با بقعه متبرکه که به برجسته بودن آن مکان منتهی شده و در دید ناظر رمزآلود و شگفت‌آور جلوه می‌نماید (Singh, 2009: 243)؛ پس، از این حیث است که رفتار زائر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و جایی که بقعه مقدس برای نخستین بار به دیده زائر می‌آید، اهمیت فراوانی می‌یابد (کمیلی، ۱۳۹۸، ۲۰)؛ برای مثال، این‌طور بیان گردیده که «گنبد طلای باشکوه مرقد مطهر حضرت معصومه (ع) [فرسنگ‌ها قبل از ورود به شهر نمایان است و رؤیت این گنبد حتی برای غیرمسلمانان حالتی توأم با احترام به وجود می‌آورد. زیارت‌کنندگان مسلمان به محض رؤیت گنبد مقدس، سر سجده بر خاک می‌نهند» (نوردن، ۱۳۵۶: ۱۲۵).

مضامین مستخرج از جدول ۳، به وضوح آشکار می‌نماید که تسلط این اماکن برحسب ارتفاع و اندازه نیز از بسیاری دیگر از مکان‌های عمومی و یا خصوصی شهر فراتر بوده و به عنوان شاخص‌های اصلی معنادهنده، نقش ساختاری در منظر قدسی داشته است.

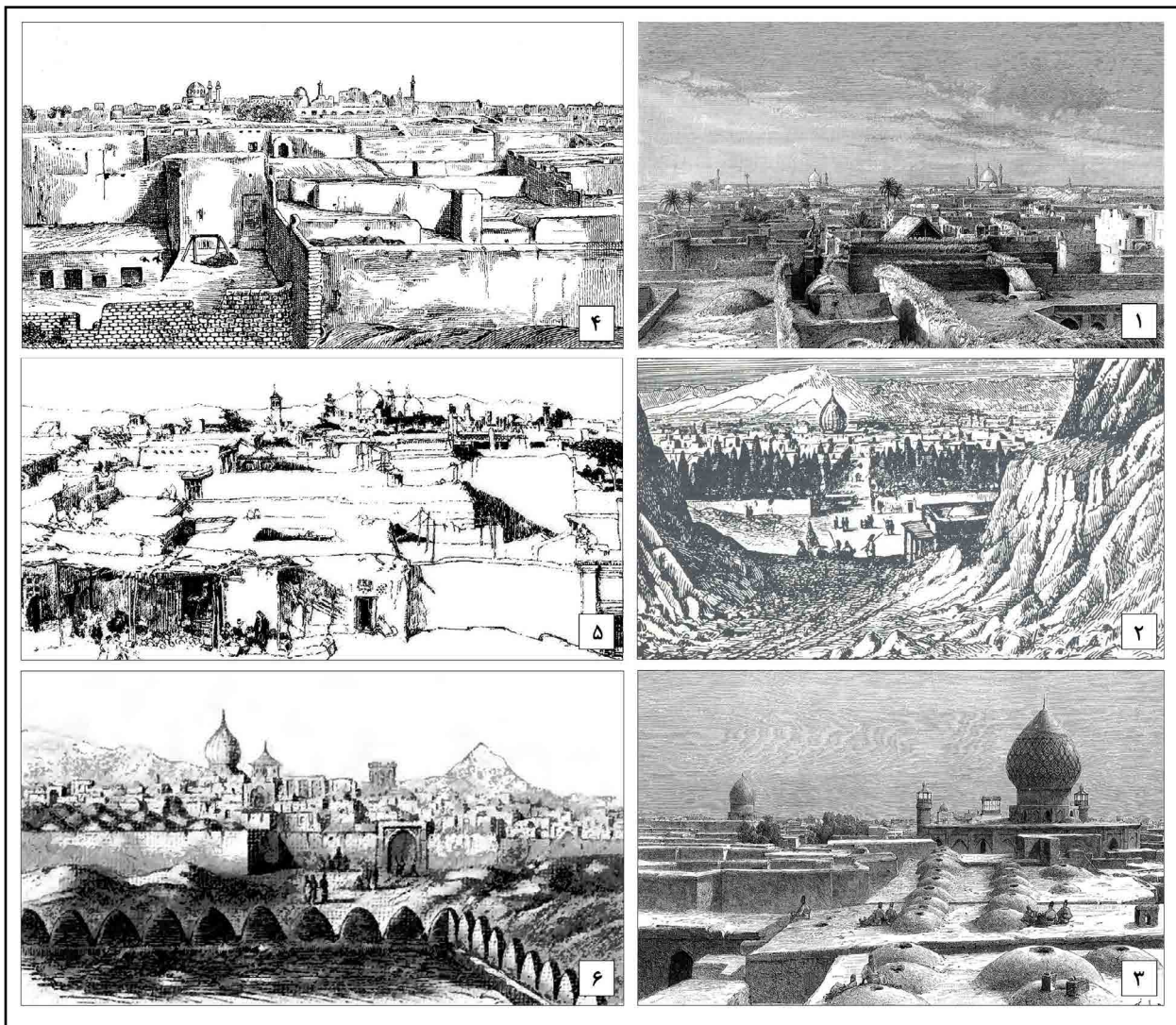
درهم‌آمیختگی با عناصر طبیعی از دیگر مواردی است که حتی تا به محدوده عرصه و پهنه درونی این اماکن نیز کشیده شده است؛ چنان‌که آمده: «دست طبیعت مقبره امامزاده صالح را به چناری عجیب آراسته و مزین کرده است که مورد ستایش تمام مردم ایران است و این واقعیتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت» (کورف، ۱۳۷۲: ۲۱۴). به نقل این مطلب عملاً فضای این بقعه، نقطه اصلی درک مردم از منظر شهر شده و به‌طور طبیعی، مردم‌وار و از طریق رابطه‌ای تاریخی، بارزترین، مهم‌ترین و قوی‌ترین نشانه درک مردم از منظر منطقه تجریش بوده است (فرزین، ۱۳۸۹: ۲۷).

هم‌آمیختگی بستر طبیعی شهر با مکان مقدس، گاه با نغزهایی در بیان ترکیب گشته که گویای شعف و شور ناظر از مشاهده آن است: حوالی مشهد، «پس از عبور از باغ‌های محصور به دشتی رسیدیم و برای آخرین بار نظری به پشت انداختیم و گنبد آستانه را که با درخشندگی خاصی جلوه‌گری می‌کرد، تماشا کردیم. این گنبد مینایی مانند فیروزه درشتی به نظر می‌آمد که با دست قهرمانان افسانه‌ای ایرانی تراشیده و پرداخته شده باشد. منارهای طارمی گاهی خودنمایی می‌کردند و گاهی در پشت پرده‌ای که از اشجار تشکیل یافته بود پنهان می‌شدند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۶۴۵-۶۴۴).

در اینجا دورنما به عنوان اثری هنری، پیامی را برای درک بهتر رابطه هماهنگ بین انسان، طبیعت و مکان مقدس منتقل می‌کند، که درحقیقت در جست‌وجوی رسیدن به مفهومی است که در دیگر مناظر به این صراحت و وسعت دیده نمی‌شود (Singh, 2009: 243)؛ بنابراین می‌توان گفت این مناظر مقدس رابطه بین انسان و طبیعت را از طریق نوعی زیبایی‌شناسی بصری شکل می‌دهد.

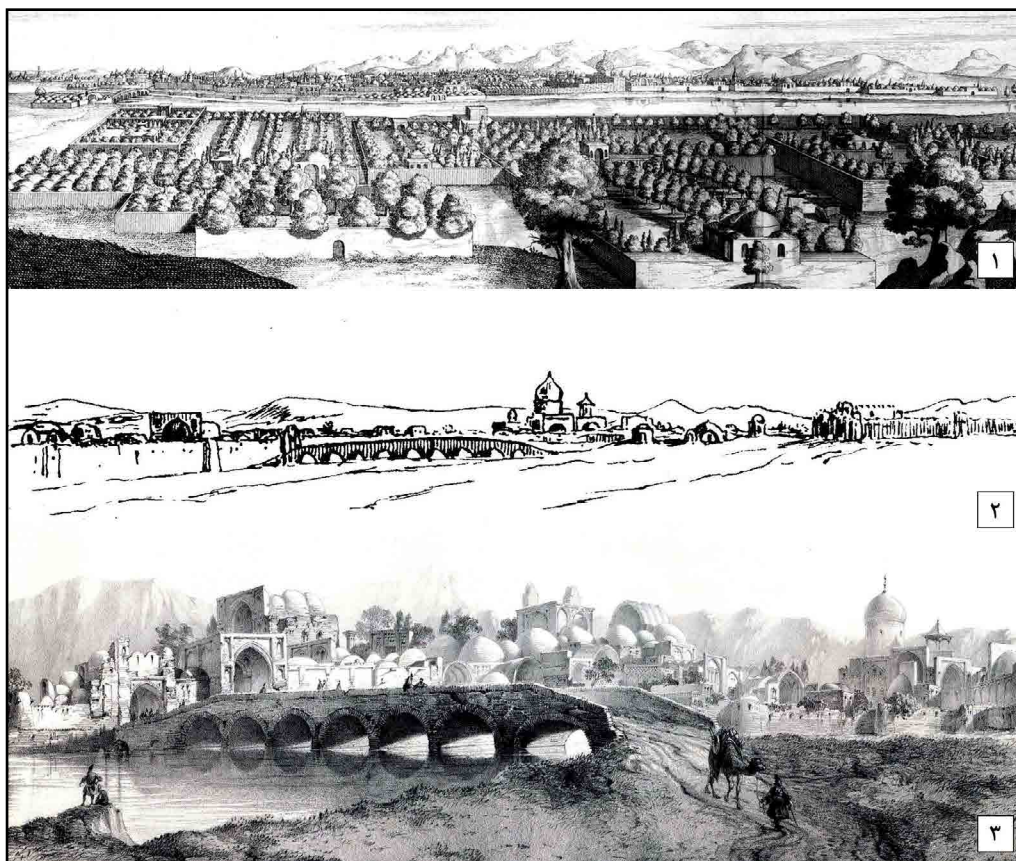
جدول ۳. توصیف منظر با اشاره بر نقش مکان مقدس به عنوان نماد و شاخصه شهر زیارتی، به ترتیب زمان بازدید در هر شهر، (نگارندگان، ۱۳۹۸).

شهر	متون و مضامین قرائت شده
مدینه	از مسجد ذی الخلیفه تا «تا مزار حمزه و تا قباء جزء منطقه حرم مدینه محسوب می شود. نخستین چیزی که از این فاصله به نظر می رسد، مناره سپید بلند مسجد مدینه است» (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۳۶). گنبد مطهر نیز «از فاصله بسیار دور قابل دیدن است» (الخیاط از بورخارت، ۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۵۴).
سامراء	«دو فرسخ مانده به شهر، گنبد مطهر عسکریین علیهم السلام نمایان شد» (پیرزاده نائینی، ۱۳۴۲: ۳۷۳).
نجف	«در وسط صحرا، خط خاکستری دیوارها و برج و بارو ادامه یافته و از میان آن يك گنبد و چند مناره طلایی سر به آسمان برافراشته است» (اوبن، ۱۳۶۲: ۴۰۲). این گنبد از فاصله دور قابل مشاهده است، به طوری که «گفته می شود چنانچه هوا صاف و بی غبار باشد [...] سه روز قبل از رسیدن زائرین راه به شهر نجف رؤیت می شود» (نوردن، ۱۳۵۶: ۹).
ری	گنبد بلند طلای شاه عبدالعظیم «از فواصل دور مخصوصاً در زیر اشعه خورشید می درخشد و زائرین را به سوی خود می خواند» (بروگش، ۱۳۶۷: ۱۹۳)، «نزدیک شدن به تهران را به ما نوید» می دهد (ماساهاو، ۱۳۷۳: ۱۵۵)، «چشم را خیره می کند» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۵۳-۵۴) و «در مقابل دیدگان مسافری که از غرب به تهران نزدیک می شود، منظره ی بسیار جالب و زائدالوصفی پدید می آورد» (براون، ۱۳۸۱: ۱۸۹).
مشهد	«بهترین منظره از دروازه پایین خیابان دیده می شود، از اینجا زمینه ی رنگ خانه های گلی و درختان سبز تیره موجب می شود که گنبد و مناره ها و گنبدهای آبی واضح تر دیده شوند، و زمینه پشت آن که از کوه های قهوه ای بریده بریده و سایه های تیره آن ها و رنگ های کم حال تشکیل شده است با رنگ های تند بناها تضاد دلپذیری ایجاد می کند. مشهد به جز این ها عمارت قابل توجهی ندارد، و این يك واقعیت است. همه جا پر است از خانه های گلی یکنواخت که بر بالای بعضی شان بادگیرهایی دیده می شود. [...]، اگر حرم امام رضا علیه السلام را که به منظره شهر جلوه ای می بخشد، مستثنی کنیم چیزی به جز صف بلندی از دیوارهای گلی و چند درخت بلند، در طول خیابان مشاهده نمی شود» (مک گرگور، ۱۳۶۶: ۲۵۲-۲۵۰).
شیراز	«خیابانی که در آن قدم گذاشتیم عریض و زیبا بود و از وسط آن نهر آبی می گذشت که دو طرفش در زیر سایه درختان قرار داشت و گنبد باشکوه و مناره های طلاپوش حرم امام رضا علیه السلام چشم انداز انتهایی این خیابان را تشکیل می داد» (بارنز، ۱۳۷۳: ۵۷).
قم	«در نه میلی مشهد، برفراز بلندی که به آن تپه سلام می گویند، رسیدیم. تپه سلام محلی است که مسافرانی که به قصد زیارت به مشهد می آیند، اولین منظره را از این شهر و گنبد طلای حضرت رضا در پیش رو می بینند» (بیت، ۱۳۶۵: ۳۹۲). در واقع «به غیر از آستانه که گنبد طلایی و مناره های آن از دور قابل رؤیت است در شهر بنای قابل ملاحظه دیگری به چشم نمی خورد» (همان، ۱۳۰۲: ۲۹). «گنبد طلایی زیبای مشهد از دور مثل شعله آتش می درخشید و ما را به وصول این شهر تاریخی نوید می داد» (سایکس، ۱۳۳۶: ۲۹).
قم	«بزرگ ترین گنبد در شیراز که از همه آن ها بلند و کشیده است گنبد شاه چراغ است که در حوالی ارگ واقع شده است» (کرزن، ۱۳۷۳: ۱۲۶).
قم	«قسمت پر جمعیت حومه شهر را پشت سر گذاشتیم به پل بسیار بزرگی رسیدیم که دو سوی رودخانه ای را به هم متصل می کرد [...] هنگام عبور از پل یکی از حکام در دست چپ جاده و نزدیک شهر بنای مجللی را به سفیر نشان داد که از دور بهترین و باشکوه ترین ساختمان شهر می نمود» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۵۳).
قم	«به استثناء چند کوه که به دور دیده می شد چیزی دیگر در این دشت یافت نمی شود و نوعی سراب پیوسته در جلو نمایان است که افق حقیقی را مخفی می سازد. با این وصف در ظاهر توانستیم از لای هوایی کدر نقطه درخشانی را ببینیم. این گنبد طلایی قم بود که از دور به مسافتی بعید دیده می شد» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۲).
قم	دورنمای قم به معنی واقعی کلمه از فاصله چند میلی به واسطه نمایان بودن گنبد زیارتگاه این شهر آشکار است (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۹۴).
قم	«اینجا یکی از مقدس ترین شهرهای دنیای شیعه است. بنایی عظیم و گنبدی زراندود، نشانه هایی از شهر است که از تمام جهات به چشم می خورد و به زائر مژده می دهد، که شهر نزدیک است» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۳۲).
قم	از کاشان به قم «به پاسنگان رفته و پس از طی مسافتی چند به قم رسیدم و از مشاهده گنبد طلای آن که از دور نمایان است لذت فوق العاده ای بردم» (سایکس، ۱۳۳۶: ۱۸۹).

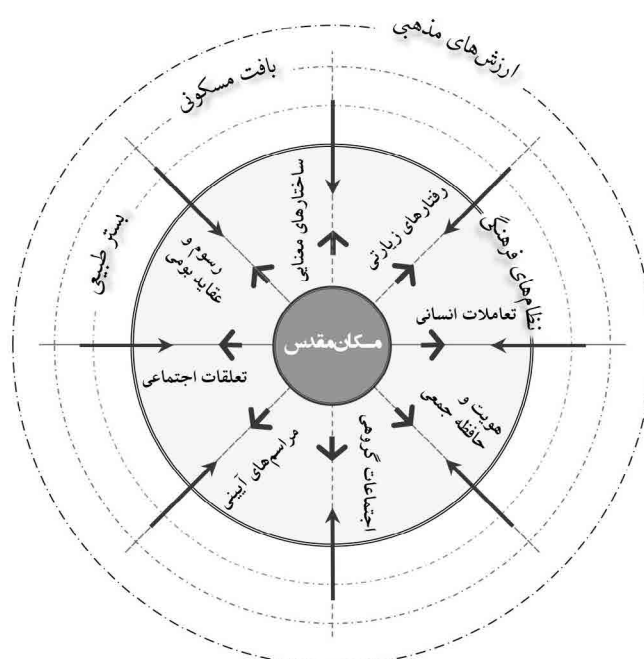


تصویر ۳. بقاع متبرکه به عنوان نماد و شاخصه شهری در منظر قدسی: ۱- دورنمای بین الحرمین کربلا، (Dieulafoy, 1887: 629)، ۲- شیراز از دروازه قرآن (بروگش، ۱۳۶۷: ۴۷۱)، ۳- دورنمایی از بین الحرمین شیراز (Dieulafoy, 1887: 418)، ۴- مشهد (مک‌گرگور، ۱۳۶۶: ۲۵۲)، ۵- منظر حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام از بالای دیوار مجاور (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۲۶۹)، ۶- منظره‌ای از قم و دروازه آن در زمان ناصرالدین شاه (بروگش، ۱۳۶۷: ۵۳۹).

گزاره‌های استخراج‌شده، درمجموع گویای آن است که مکان مقدس در طی دوره‌های مطرح در این پژوهش، به عنوان: «نماد و شاخصه شهر زیارتی»، «متمایز از محیط پیرامون» خود و «هم‌پیوند با منظر طبیعی» شهر بوده است. به بیان دقیق‌تر، تعامل ارزش‌های مذهبی، بستر طبیعی و بافت مسکونی هم‌جوارِ بقعه متبرکه با شبکه‌ای از نظام‌های فرهنگی نظیر رفتارهای زیارتی، رسوم و عقاید بومی، تعاملات انسانی و...، شبکه منظم و منسجمی از ارتباطات را در کنار مکان مقدس به عنوان هسته مرکزی شکل داده که رهاورد آن پیدایش منظر یکپارچه قدسی در ساختار کالبد شهر زیارتی بوده است (تصویر ۵).



تصویر ۴. هم‌پیوندی با منظر طبیعی در دورنماهایی از شهر قم که در پس‌زمینه آن حرم مشاهده می‌گردد: ۱- (شاردن، ۱۳۳۶: ۱۶۵)، ۲- (دوهوسه، ۱۳۵۴: ۹۸)، ۳- (فلاندن، ۱۳۹۳: ۹۶).



تصویر ۵. شاخصه‌های اثرگذار بر شکل‌گیری منظر مقدس شهرهای زیارتی در فاصله زمانی قرن ششم تا چهاردهم هجری قمری (نگارندگان، ۱۳۹۸).

جدول ۴. گزاره‌های استخراج شده از هم‌پیوندی منظر طبیعی با مکان مقدس به ترتیب زمان بازدید در هر شهر (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شهر	متون و مضامین قرائت شده
مکه	کوه ابوقُبیس در جهت جنوبی و شرقی مکه واقع شده که مشرف و ناظر بر مسجدالحرام است و از فراز آن شهر و زیبایی و وسعت حرم و کعبه قابل مشاهده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۸۶؛ ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۱۴۶).
ری	«از دور محل ری را تشخیص دادم. سپس شاه‌عبدالعظیم را دیدم که گنبد طلایی آن در وسط سبزی کاری‌های زیبایی که این شهرک خوش منظره را فراگرفته است می‌درخشید» (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۱۹۴). «در پایین، در میان سبزی‌ها و درختانی که از آب‌های جاری از توچال سیراب می‌شوند، مناره‌های کاشی‌پوش و گنبد طلایی شاهزاده عبدالعظیم مشاهده می‌شود» (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۷۱).
قم	«ناظرین بر محوطه‌های دلکش این بنا خیره می‌شوند و هیچ‌گاه نمی‌توانند همچو باد از آنجا به سرعت و به سهولت بگذرند» (شاردن، ۱۳۳۶: ۶۳). «در پشت و کنار بارگاه مزارات مزبور محوطه‌های بسیار زیبا، عمارات بسیار تمیز و مفروش و محفوظ و باغ‌های کم وسعت فوق‌العاده مصفایی مشاهده می‌شود» (همان: ۷۹). «چه از سوی رودخانه، و چه از جانب گورستان‌های مجاور، هنگامی که آن را تماشا می‌کنیم، مجموعاً اثر بسیار زیبایی است: بقعه و بارگاه مقدس، دیوارهای بزرگ شهر، مناره‌ها، و گنبد طلایی، به‌طور مجزا از برف کوهستان‌های مجاور، با تشخیص و برجستگی خاصی دیده می‌شوند» (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۷۳). پس از ورود به قم در کاروانسرای مستقر شدیم. صبح فردا پس از بیدارشدن «نظرمان به مقبره با شکوه حضرت فاطمه [ع] افتاد که گنبد طلایی و مناره‌های آبی رنگ آن ابهت و جلوه خاصی داشت [...] در اطراف مقبره هم باغ‌های زیادی دیده می‌شد که رنگ سبز اشجار با رنگ کاشی‌ها مخلوط شده و تابلوی زیبایی را تشکیل می‌داد» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۴۹-۸۴۷). صبح روز بعد «همسفران خود را دیدم که در روی بام به نقاشی مقبره حضرت فاطمه که از دور نمایان بود اشتغال داشتند» (همان: ۱۰۹۰). «به رودخانه‌ای رسیدیم که در آن سوی آن حرم مقدس، در پشت ساختمان‌های کوتاهی که در کرانه رود بنا شده بود، قرار داشت» (آنه، ۱۳۷۰: ۲۰۱).

نتیجه‌گیری

آن‌چه در این مجال به اختصار درآمد، گویای آن است که مناظر قدسی اماکن متبرکه یادشده نه تنها در نقش پس‌زمینه‌ای زیباشناسانه، مجموعه‌ای کامل و همگون را شامل می‌گشته، که به مثال شبکه‌ای اجتماعی-ارتباطی، تجسمی چندوجهی را در برابر اندیشه و ادراک ناظرین به‌نمایش گذاشته است. این شبکه واحد و یکپارچه که شکل‌یافته از تعامل انسان با منظر مقدس بوده، ساختار پیچیده و به‌هم‌پیوسته‌ای از نظام‌های فرهنگی را متجسم می‌سازد، به‌گونه‌ای که برخی از آن‌ها ملموس و گروهی دیگر ناملموس بوده است.

به عبارت دیگر، این مناظر ترسیمی از هم نشینی و ترادف عناصر ساختاری-معنایی در ذهن ناظر بوده؛ به طوری که کلیت شکل یافته در بستر وابسته به آن‌ها بازگوکننده اهمیت چستی بقاع متبرکه است. اکثر روایت‌ها بازگوکننده این مطلب بود که روح مکان‌های مقدس در مناظر وابسته به آن‌ها مستتر است و صرف نظر از این مسأله که این اماکن به عنوان یک کانون فعال در شهر زیارتی باشد، تجربه و درک جنبه‌های بصری و کالبدی آن از دورنمای شهر، بازتابی از فعالیت‌های فرهنگی، اعتقادات و ارزش‌های فراکالبدی پنهان در آن است.

بنابراین واضح و مبرهن می‌نماید که ارزش‌های منظر قدسی و معنای مرتبط با آن در وابستگی تام با زمینه‌های فرهنگی بستری بوده که در طول زمان با سنت‌ها، آئین‌ها و باورها درهم آمیخته است؛ بنابراین بخش عمده تقدس حاکم بر این مناظر، نقش عمده‌ای در ادراک عاطفی انسان-که می‌تواند ترکیبی از همان سنت‌ها و آداب و رسوم محلی باشد- داشته باشد، چنان‌که اموری را که نمی‌توان از محیط به شکلی کاملاً ملموس دریافت نمود، به درستی ادراک نماید و این امر به قطع یقین وابستگی به رابطه‌ای دارد که بین انسان، مکان مقدس و محیط بلافصل آن ایجاد شده است. بر این اساس، این مناظر با حس حضوری فرامادی در ارتباط بوده و از طریق نمادها و مناسک مذهبی چون زیارت به حیات خود ادامه داده‌اند؛ چراکه احساسات تجربه شده توسط زائران و حتی ناظرانی چون سفرنامه‌نویسان یاد شده در این پژوهش، تحت تأثیر مجموعه‌ای از ویژگی‌های بقعه مقدس قرار داشته است. شاهد این مدعا کیفیت بصری بالایی بود که در مخاطب به طرز شگفت‌آوری حس مکان و حس حریم را درهم می‌آمیخت. پس می‌توان چنین استنباط نمود که این مناظر معرف صفات، بستر و زمینه بقاع متبرکه هستند. حال آن‌که متأسفانه در طی سال‌های اخیر منظر مرتبط با اماکن یاد شده، دیگر آن‌گونه که سخن از آن رفت، منعکس‌کننده آن تعاملی نیست که کانون مقصد که همان بقعه متبرکه باشد را به ارزش‌های کالبدی و فراکالبدی بستر و زمینه خود پیوند بزند. با این وصف است که نمی‌توان در طرح‌های توسعه امروز این اماکن نسبت به رابطه دوسویه و جدایی‌ناپذیر بین دو امر ملموس و ناملموس پیونده خورده با مناظر وابسته به آن‌ها بی‌توجه بود؛ چراکه شناخت مفهوم و ادراک این مناظر از طریق ارتباط ساختاریافته میان بافت و محیط بلافصل و ملموس کالبد آن بناها و معانی، خاطرات، سنت‌ها و آئین‌هایی است که بخشی از ارزش‌های ناملموس آن را شکل می‌دهد.

پی‌نوشت

1. Religious Landscape
2. Ritual Landscape
3. Pilgrimage Landscape
4. Sacred Landscape
5. Albert Houtum-Schindler
6. Pierre Loti

کتابنامه

- ابن بطوطه، (۱۳۷۶). سفرنامه ابن بطوطه. جلد اول. ترجمه محمدعلی موحد، تهران: چاپ سپهر نقش.
- ابن جبیر، محمد بن احمد، (۱۳۷۰). سفرنامه ابن جبیر. ترجمه پرویز اتابکی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- امیری، محمود، (۱۳۸۴). «حرم حضرت معصومه (ع) از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی». فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۵۲، زمستان، صص: ۱۳۲-۱۲۳.

- امین‌زاده، بهناز، (۱۳۹۵)، ارزش‌ها در طراحی منظر شهری. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- آنه، کلود، (۱۳۷۰). سفرنامه کلود آنه (گل‌های سرخ اصفهان: ایران با اتومبیل). ترجمه فضل‌الله جلوه، تهران: نشر روایت.
- الخياط، جعفر، (۱۳۷۵). «مدینه از دیدگاه جهانگردان اروپایی (۱)». ترجمه محمدرضا فرهنگ، فصلنامه میقات حج، شماره ۱۷، صص: ۱۸۵-۱۴۲.
- اوبن، اوژن، (۱۳۶۲). ایران امروز، ایران و بین‌النهرین (سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران). ترجمه علی‌اصغر سعیدی، اصفهان: چاپ نقش جهان.
- اولئاریوس، آدام، (۱۳۵۸). سفرنامه‌ی آدام اولئاریوس: ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی. ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار نو.
- بارنز، آلکس، (۱۳۷۳). سفرنامه بارنز: سفر به ایران در عهد فتح‌علی شاه قاجار. ترجمه حسن سلطانی‌فر، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- براون، ادوارد گرانویل، (۱۳۸۱). یک سال در میان ایرانیان. ترجمه مانی صالحی‌علامه، تهران: اختران.
- بروگش، هینریش، (۱۳۶۷). سفری به دربار سلطان صاحبقران. جلد اول. ترجمه حسین کردبچه، تهران: اطلاعات.
- بروگش، هینریش، (۱۳۷۴). در سرزمین آفتاب (دومین سفرنامه هینریش بروگش). جلد اول. ترجمه مجید جلیوند، تهران: نشر مرکز.
- بنجامین، س. ج. و، (۱۳۶۳). ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه. ترجمه حسین کردبچه، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- پیرزاده نائینی، محمدعلی، (۱۳۴۲). سفرنامه حاجی پیرزاده. جلد اول. به‌کوشش: فرمانفرمائی‌ان، تهران: دانشگاه تهران.
- تولایی، نسربین، (۱۳۸۲). «نقش مذهب در شکل‌گیری فضای جغرافیایی». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۹، صص: ۷۳-۶۲.
- حسین‌زاده شانه‌چی، حسن، (۱۳۸۹). «سهم سفرنامه‌های اروپایی در معرفی تشیع ایرانیان در غرب». دو فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۲۶، تابستان، صص: ۵۸-۳۷.
- دالمانی، هانری رنه، (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری؛ مشتمل بر طرز زندگی، آداب و رسوم، اوضاع اداری، اجتماعی، اقتصادی، فلاحی و صنایع ایران از زمان قدیم تا پایان سلطنت قاجاریه. ترجمه علی‌محمد فره‌وشی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.
- دانشپور، سیدعبدالهادی؛ بهزادفر، مصطفی؛ و رضایی‌ندوشن، محمد، (۱۳۹۶). «سلسله‌مراتب تشرف به اماکن مقدس در شهرهای تاریخی - مذهبی ایران نمونه موردی: شهر قم در دوران صفوی و قاجار». دو فصلنامه شهر و معماری بومی، شماره ۶، پاییز و زمستان، صص: ۸۰-۵۱.
- دوگوینو، آرتور، (۱۳۸۳). سفرنامه کنت دوگوینو: سه سال در آسیا. ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران: نشر قطره.
- دوهوسه، لویی امیل، (۱۳۵۴). سفری به ایران (مجموعه‌ای از نقاشی‌های لویی امیل دوهوسه از مناظر و مردم ایران ۱۲۳۸-۱۲۳۶). ترجمه منوچهر فرمانفرمائی‌ان، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- دیباج، سیدموسی، (۱۳۹۵). شعور تاریخی معماری ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ریچاردز، فرد، (۱۳۷۹). سفرنامه فرد ریچاردز. ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

- سایکس، پرسی مولزورث، (۱۳۳۶). سفرنامه زنتال سرپرسی سایکس (ده هزار میل در ایران). ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا.
- سرنا، کارلا، (۱۳۶۲). سفرنامه مادام کارلا سرنا: آدم‌ها و آئین‌ها در ایران. ترجمه علی اصغر سعیدی، اصفهان: چاپ نقش جهان.
- سروقدی، محمدجعفر، (۱۳۷۴). «شهر قم در سفرنامه‌ها و متون تاریخی». فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۱۰، تابستان، صص: ۱۴۸-۱۴۰.
- شاردن، ژان، (۱۳۳۶). دایرةالمعارف تمدن ایران: سیاحت‌نامه شاردن (جلد سوم: روابط بین‌المللی و جغرافیای تاریخی ایران). ترجمه محمد عباسی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.
- صادقی، محسن، (۱۳۸۲). «حضرت عبدالعظیم علیه السلام و شهرری در سفرنامه‌ها»، دوماهنامه آینه پژوهش، شماره ۸۰، خرداد و تیر، صص: ۹۴-۱۰۰.
- صفاءالسلطنه نائینی، میرزا علی خان، (۱۳۶۶). گزارش کویر: سفرنامه صفاءالسلطنه نائینی (تحفة الفقرا). به اهتمام: محمد کلبن، تهران: انتشارات اطلاعات.
- طهماسبی، ساسان، (۱۳۹۰). «جهان‌گردان اروپایی و اماکن مقدس اسلامی در ایران». مجله سخن تاریخ، شماره ۱۴، پاییز، صص: ۸۹-۱۱۰.
- عسگری، نسیم؛ ناسخیان، شهریار؛ و ایزدی، محمدسعید، (۱۳۹۸). «خوانش ساختار معنایی و کالبدی حریم اماکن مقدس؛ با استناد بر سفرنامه‌های قرن پنجم تا چهاردهم هجری قمری». فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۳۸، زمستان، صص: ۳۶-۲۱.
- علی صوفی، علیرضا؛ و زاور، علی اکبر، (۱۳۹۱). «سفر زیارتی حج در دوره قاجار بر مبنای سفرنامه‌های رجال دوره قاجاری». دوفصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۳۲، بهار و تابستان، صص: ۴۸-۲۱.
- فاطمی، شیماسادات، (۱۳۹۳). «نگرشی بر اماکن مقدسه و متبرکه و آداب زیارت از نگاه سیاحان اروپایی دوره قاجار (۱۳۴۴ - ۱۲۱۰ ه.ق.)». فصلنامه روزگاران، شماره ۱۲، تابستان، صص: ۱۱۳-۱۴۸.
- فرزین، احمدعلی، (۱۳۸۹). «نظر زیارتی تهران: تأملی بر نقش زیارتگاه‌ها در ساخت منظر شهر ایرانی». فصلنامه منظر، آبان و آذر، شماره ۱۱، صص: ۲۶-۲۷.
- فصیحی، سیمین؛ و طیبی، صفورا، (۱۳۹۴). «بررسی حیات مذهبی شیراز عصر قاجار به روایت سفرنامه‌های اروپایی». فصلنامه تاریخ پژوهی، شماره ۶۳، تابستان، صص: ۳۸-۱۵.
- فلاندن، اوژن، (۱۳۵۶). سفرنامه اوژن فلاندن به ایران. ترجمه حسین نورصادقی، تهران: انتشارات اشراقی.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا، (۱۳۶۳). سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا: سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول. ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- قاضیها، فاطمه، (۱۳۸۷). «قم از نگاه ناصرالدین شاه و سیاحان فرنگی معاصر او». فصلنامه گنجینه اسناد، شماره ۷۲، زمستان، صص: ۴۲-۲۵.
- کرزن، جورج ناتانیل، (۱۳۷۳). ایران و قضیه ایران (جلد دوم). ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- کمیلی، محمد، (۱۳۹۸). «تحلیل شاخص‌های ارزیابی پیاده‌راه‌های مذهبی حرم حضرت معصومه علیه السلام». فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۳۵، صص: ۳۲-۱۹.
- کورف، بارون فنودور، (۱۳۷۲). سفرنامه بارون فنودور کورف (فوت فتحعلی شاه، به سلطنت رسیدن محمد میرزا و سقوط قائم مقام). ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران: انتشارات فکر روز.
- لوتی، پیر، (۱۳۷۲). به سوی اصفهان. ترجمه بدرالدین کتابی، تهران: انتشارات اقبال.

- ماساهاارو، یوشیدا، (۱۳۷۳). سفرنامه یوشیدا ماساهاارو. ترجمه هاشم رجب‌زاده، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- مک‌گرگور، کلنل سی. ام.، (۱۳۶۶). شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان (جلد اول). ترجمه مجید مهدی‌زاده، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- ملاصالحی، حکمت‌الله، (۱۳۷۲). کیهان فرهنگی، شماره ۱۰۴، صص: ۴۵-۴۷.
- نوردن، هرمان، (۱۳۵۶). زیرآسمان ایران. ترجمه سیمین سمیعی، تهران: دانشگاه تهران.
- ویشارد، ژان، (۱۳۶۳). بیست سال در ایران. ترجمه علی پیرنیا، تهران: مؤسسه انتشارات نوین.
- بیت، چارلز ادوارد، (۱۳۶۵). سفرنامه کلنل بیت به ایران و افغانستان. ترجمه مهرداد رهبری و قدرت‌الله روشنی، تهران: نشر یزدان.

- Alderman, D. H., (2002). "Writing on the Graceland wall: On the importance of authorship in pilgrimage landscapes". *Tourism Recreation Research*, No. 27(2). Pp: 27-33.
- Azarinia, H., (2017). *The Medieval Islamic Cityscape*. (Available at SSRN 3017656).
- Dieulafoy, J., (1887). *La Perse, la Chaldée et la Susiane: relation de voyage*. Librairie Hachette.
- Gopalakrishnan, P., & Srinivas, T., (2014). "Viewscape Assessment Framework for Protecting the Views of Sacred Monuments: Comparative Study of Srirangam and Thanjavur Religious Towns". *Creative Space*, No. 1(2). Pp: 195-213.
- Goral, A., (2011). "Research on cultural tourism development in sacral and spiritual sites from the UNESCO World Heritage List". *Int J Herit Sustain Dev*, 1. Pp: 49-59.
- Hodor, K. & Fekete, A., (2019). "The sacred in the landscape of the city". *Czasopismo Techniczne*, 2019(Volume 1). pp: 15-22.
- ICOMOS, (2004). *The World Heritage List: Filling the Gaps - an Action Plan for the Future (analysis)*. Paris: ICOMOS. <http://whc.unesco.org/document/102409>. (accessed September 12, 2017).
- Kumar, S. & Singh, R. P., (2017). "Ayodhya (India): a study of Ritual Landscapes". *Practicing Geographer*, Pp: 71-84.
- Liutikas, D., (2015) "Religious Landscape and Ecological Ethics: Pilgrimage to the Lithuanian Calvaries". *International Journal of Religious Tourism and Pilgrimage*. Vol. 3: Iss. 1, Article 4. Available at: <http://arrow.dit.ie/ijrtp/vol3/iss1/4>
- Niglio, O., (2018). "Sacred Landscape for a Global Approach". *Almatourism-Journal of Tourism, Culture and Territorial Development*, No. 9(8), Pp: 1-16.
- Olearius, A., (1727). *Voyages très-curieux & très-renommez faits en Moscovie, Tartarie et Perse*. chez Michel Charles Le Céne, libraire.
- Singh, R., (2009). "Sacred Space and Faithscape", In: *Geographical thoughts in India: snapshots and visions for the 21st century* (Vol. 2). Cambridge Scholars Publishing.
- Singh, R. P., (1988). "The image of Varanasi: sacrality and perceptual world". *National Geographical Journal of India*, No. 34(1), Pp: 1-16.
- <http://https://imamhussain.org/>.